

ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز

ماهرخ رجبی^۱

فاطمه هاشمی‌نیا^۲

پژوهش حاضر به مطالعه ارزش کودکان و رفتار باروری پرداخته است. داده‌های تحقیق با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌ای شامل ۴۰۶ نفر از زنان ۱۵-۴۹ ساله همسر دار شهر شیراز جمع‌آوری گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که عواملی چون سن ازدواج، تحصیلات پاسخگو و همسر رابطه معکوس با ارزش فرزند، باروری واقعی و ایده‌آل دارند. با افزایش عواملی مانند سن زن، مدت ازدواج و اجتناب از تک فرزندی، تعداد فرزند زنده به دنیا آمده و تعداد مطلوب فرزند و ارزش فرزند افزایش می‌یابد. ارزش فرزند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و مذهبی با باروری واقعی و ابعاد اقتصادی و مذهبی با باروری ایده‌آل رابطه معنی‌دار و مستقیم دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره به تفکیک متغیرهای جمعیتی، اجتماعی- اقتصادی و ارزش فرزند نشان داده که متغیرهای مدت ازدواج، محل تولد، سن ازدواج پاسخگو، تحصیلات پاسخگو، تمایل به ترکیب جنسی فرزندان، فواید اجتماعی و اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی فرزند قادر به تبیین تغییرات باروری واقعی می‌باشند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره بیانگر آن است که مدت ازدواج، اجتناب از تک فرزندی، تمایل به ترکیب جنسی فرزندان و فواید اقتصادی، تغییرات باروری ایده‌آل را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: باروری واقعی، باروری ایده‌آل، ارزش فرزندان، فواید، هزینه‌ها

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، mrajabi79@gmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته جمعیت‌شناسی، f.hashemini28@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

برای بررسی ارزش و جایگاه کودک در يك جامعه باید به خانواده‌ها و تصمیم‌گیری‌های فردی درون این دنیای کوچک زناشویی پیرامون داشتن فرزند نگاهی ریشه‌ای انداخت. ارزش کودکان از منظر والدین از جهت ابعاد اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی، قدرت تغییر و تولید نیروی انسانی را در اجتماع رقم می‌زند. همین امر ارزش کودکان را در دیدگاه والدین در ارتباط با تغییرات شرایط، با اهمیت می‌کند. مفهوم ارزش کودکان در چند دهه پیش به اجتماع علمی معرفی گردید و اخیراً نیز به جهت اهمیت تغییرات جمعیت‌شناختی سراسر دنیا به ویژه کاهش مولید و افزایش امید به زندگی، اهمیت اساسی یافته است (ترامسدورف و ناوک^۱، ۲۰۱۰).

از نظر فاوست^۲ اصطلاح ارزش کودکان به فواید (اقتصادی و غیراقتصادی) و هزینه‌های (اقتصادی و غیراقتصادی) ادراک شده کودکان از سوی والدین اشاره دارد. از نظر پدر و مادر، ارزش کودکان توازن خالص بین این دو نیروی مخالف است (آقاجانیان و رجبی ۱۳۶۴).

میزان باروری در ایران در سه دهه اخیر متغیر بوده است. ایران دوره کاهش باروری در سال‌های قبل از انقلاب تا ایده‌های پروناتالیستی^۳ دهه اول بعد از انقلاب که موجب مشکلات و نارسایی‌های فراوانی گردید و نهایتاً کاهش تدریجی میزان باروری بعد از دهه اول را تجربه کرده است (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی چاووشی^۴، ۲۰۰۹). با توجه به جوانی جمعیت و انبوه والدین جوان امروزی ناشی از افزایش جمعیت دهه ۶۰ و جمعیت زنان واقع در سنین باروری، انگیزه‌های والدین برای داشتن و نداشتن فرزند می‌تواند در رابطه با منابع و امکانات موجود بسیار تأثیرگذار باشد. نحوه ارزش‌گذاری فرزند ناشی از ساخت جامعه، خانواده و ویژگی‌های روانی، اجتماعی و شرایط اقتصادی زوجین است که در رابطه با میزان باروری، قدرت تعیین‌کننده‌ای می‌تواند داشته باشد.

بنابراین توجه به ارزش فرزندان و شناخت عوامل مؤثر بر آن به جهت تأثیرگذاری در انگیزه‌ها و تصمیم‌گیری‌های والدین برای فرزندآوری بسیار ضروری است. از آن جا که پیامدهای تصمیم‌گیری‌های والدین در خصوص باروری در جامعه نمود پیدا می‌کند، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور می‌توانند از این تصمیم‌گیری‌ها برای جهت‌دهی به میزان رشد جمعیت و اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل مولید، استفاده مطلوب نمایند.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ارزش فرزند با رفتار باروری می‌باشد. ارزش فرزند در دو بخش فواید و هزینه‌های ناشی از داشتن فرزند سنجیده شده است. در این تحقیق سعی بر آن است تا

1. Trommsdorff & Nauck

2. Fawcett

3. pronatalist

4. Abbasi Shavazi, McDonald & Hosseinichavoshi

تأثیر ارزش فرزند بر رفتار باروری مشخص گردد.

مروری بر تحقیقات پیشین

در مطالعه ای که قربانی (۱۳۸۸) در شهر جهرم انجام داده، به این نتیجه دست یافته که مهم‌ترین ارزش فرزند برای زوجین ارزش‌های نگرشی و کم‌اهمیت‌ترین، ارزش‌های اقتصادی است. ارزش فرزند و دلایل فرزندخواهی بیشتر با ذوق و احساسات زوجین ارتباط پیدا کرده و نخواستن فرزند با دلایل اقتصادی و اجتماعی تبیین شده است. شاید بتوان نتیجه گرفت که فرزندخواهی از دیدگاه والدین در فرآیند توسعه از سمت ارزش‌های سنتی به سوی مدرنیته گرایش یافته است.

منصوریان و خوشنویس (۱۳۸۵) به مطالعه "ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری" ۵۵۰ زن همسر دار ساکن در شهر تهران پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای سن و تحصیلات زن، تعداد کل فرزندان، مدت ازدواج، تعداد فرزندان دختر و ترکیب جنسی فرزندان و تعداد فرزندان مطلوب در تبیین گرایش زنان به رفتار باروری، نقش عمده‌ای دارند. متغیرهای ارزیابی ترکیب جنسی فرزندان بر مبنای ترجیحات جنسی، سال‌های ازدواج و محل تولد همسر در مجموع در پیش‌بینی گرایش زنان همسر دار به رفتار باروری مشارکت دارند.

عباسی شوازی و دیگران (۱۳۸۳) در تحقیقی درباره نگرش زنان در مورد رفتار باروری و ارزش فرزندان در چهار استان منتخب نشان می‌دهند که اکثر زنان به داشتن دو فرزند گرایش دارند. زنان شهری کمتر از زنان روستایی به داشتن بیش از سه فرزند به عنوان تعداد ایده‌آل فرزند معتقد بوده‌اند، اما تقریباً به یک میزان به ایده‌آل بودن دو فرزند تمایل داشته‌اند. زنان به هزینه‌های روحی و روانی و حتی هزینه‌های فرصت فرزند آگاهی داشته و معتقدند که چنانچه تعداد فرزند کمتر باشد، می‌توانند برای علایق خود و تربیت بهتر فرزندانشان برنامه‌ریزی نمایند. زنان به صورت آگاهانه‌تری در مورد تعداد فرزند خود تصمیم می‌گیرند و دیدگاه‌های آنان از نگرش‌ها و خرده فرهنگ‌های سنتی و قومی و محلی، کمتر متأثر می‌گردد.

محمودیان و پوررحیم (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان "ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری" نشان داده‌اند که نحوه ارزش‌گذاری فرزند از دیدگاه مرد و زن متفاوت است. توجه زنان به محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته و فواید عاطفی ناشی از داشتن فرزند، بیش از مردان بوده و از نظر آنان اجتناب از تک فرزندی و ماندگاری فرزند حائز اهمیت است. با افزایش عواملی مانند سن ازدواج، میزان تحصیلات و درآمد خانواده، فواید ناشی از داشتن فرزند کاهش می‌یابد. گرایش به تأمین رفاه مادی و توجه به کیفیت زندگی فرزند، هزینه‌های ناشی از داشتن فرزند را افزایش می‌دهد. نحوه ارزش‌گذاری فرزند و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی افراد با تعداد فرزندان مورد تقاضا، رابطه معناداری دارند.

رئسی (۱۳۷۶) به مطالعه "بررسی پدیده فرزندخواهی و ارزش‌های مثبت و منفی کودکان برای والدین" پرداخته است. یافته‌ها نشان داده که ارزش‌های مثبت مانند عشق و علاقه به فرزند، افزایش صمیمیت بین زن و شوهر و یاور خواهر و برادر بودن، به‌عنوان مهم‌ترین دلایل محوریت فرزند به‌شمار می‌آید. متغیرهای سن، جنس، تعداد فرزند، مدت ازدواج، بعد مطلوب خانواده، میزان درآمد و تحصیلات، هر یک با تمام یا برخی از جنبه‌های ارزش کودکان رابطه معناداری نشان داده‌اند.

در مطالعه آقاجانیان و رجیبی (۱۳۶۴) یافته‌ها نشان داده‌اند که در جامعه شهری ایران بی‌فرزندی به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست و حیات روانی و تداوم خانواده به وجود فرزند بستگی دارد. توجه به دوران پیری و زمان بیوگی، تعیین‌کننده نقش اقتصادی فرزندان در زندگی زنان شهری است. در بین زنان شهری، خانواده بزرگ مطلوبیت چندانی ندارد. در جامعه روستایی، کودکان مطلوبیت بیشتری دارند و سطح باروری نسبت به قشرهای باسواد شهری بالاتر است. با وجود جنبه‌های منفی فرزندان مانند زحمت زیاد و مخارج روزانه، جنبه‌های مثبت از دید والدین روستایی چنان قوی است که کم‌فرزندی بی‌معنی به نظر می‌رسد. کودکان روستایی تنها عامل عشق، محبت و رضایت‌مندی روانی نیستند، بلکه عامل تأمین اجتماعی در دوران پیری پدر و مادر هستند و از سنین پایین در اقتصاد خانواده نقش اساسی دارند. مایر^۱ و ترامسدورف (۲۰۱۰) به بررسی ارزش فرزندان در نزد جوانان و تمایل آن‌ها به داشتن فرزند پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، جوانان تمایل به داشتن دو بچه دارند و ارزش روانی و عاطفی فرزند را به‌عنوان مهم‌ترین بعد ارزشی عنوان کرده‌اند.

دین و کاجیتسیباسی^۲ (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر ارزش کودکان و جایگاه آن در خانواده در میان جوانان آمریکایی و ترکیه‌ای ساکن شهر و روستا پرداخته‌اند. یافته‌ها اهمیت بعد روان‌شناختی و حمایتی ارزش کودکان را برای جوانان نشان می‌دهند. نتایج هم‌چنین بیان‌گر اهمیت یکسان ارزش فرزند و بعد حمایتی آن‌ها برای والدین و جوانان می‌باشند. داشتن یک فرزند برای قوام ازدواج مقبولیت بالاتری را در میان پاسخگویان روستایی ترکیه‌ای نسبت به پاسخگویان شهری نشان می‌دهد. اهمیت بعد اقتصادی در میان دانشجویان روستایی بیشتر از دانشجویان شهری با دیدگاه والدین‌شان هماهنگ می‌باشد. یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهند که اهمیت بعد اقتصادی - حمایتی فرزندان در آمریکا با تغییری در زمینه ترجیح دختران روبه‌رو است.

بولر^۳ (۲۰۰۸)، در تحقیقی تحت عنوان "ارزش ساختاری فرزندان و تأثیر آن بر باروری خواسته در بلغارستان" بیان می‌کند که فرزندان بهبوددهنده شبکه اجتماعی والدین‌شان هستند و به توضیح

1. Mayer
2. Dinn & kagitcibasi
3. Buhler

انگیزش‌های فردی برای داشتن فرزند کم‌کم می‌کنند. تمایل زنان به باروری ناشی از امید و انتظاری است که یک بچه برای والدین خواهد آورد و مرتبط با توقعی است که فرزند به عنوان حامی دوران پیری فراهم می‌کند.

ایمان و سروش^۱ (۲۰۰۷) در بررسی نگرش خانواده‌های ایرانی نسبت به ارزش فرزندان در شهر شیراز نشان داده‌اند که کودکان برای زنان نسبت به مردان ارزشمندتر هستند. تجربه ازدواج، میزان درآمد خانواده، اعتقادات مذهبی و بعد خانواده با برخی از ابعاد ارزش فرزندان رابطه معنادار دارد و در این میان متغیر اعتقادات مذهبی شاخص‌تر می‌باشد. نگرش نسبت به ارزش فرزندان از زمینه‌های سنتی خود دور شده است.

دیبر^۲ (۲۰۰۷) به بررسی ارزش فرزندان در کشورهای آفریقایی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که دلایل داشتن فرزندان برای والدین، شادی‌آفرینی و رفاه شخصی می‌باشد. فرزندان برای حفظ امنیت پیوند ازدواج و ایجاد امنیت اجتماعی برای والدین در دوران پیری ضروری هستند. آن‌ها به عنوان نیروی کار و ایجاد موقعیت اجتماعی، حفظ اصل و نسب و نام، وارث ثروت، ارضای نیازهای عاطفی و احساسی و کاهش اضطراب و احساس پوچی در نظر گرفته می‌شوند.

ترامسدورف، کیم^۳ و ناک (۲۰۰۵) تحقیقی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر ارزش فرزندان و روابط بین نسلی در دوره‌های تغییر اجتماعی" در کشورهای آلمان، فرانسه، ترکیه، کره، چین، هند و آفریقای جنوبی انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داده که در کره، فواید روان‌شناختی مهم‌ترین دلیل داشتن فرزند و فشارهای مالی و شخصی مهم‌ترین دلیل نداشتن بچه می‌باشد. در ترکیه، یافته‌ها بیان‌گر توجه به فرزندآوری بیشتر است. در آفریقا، مسائل اقتصادی به وفور یافت می‌شود. در فرانسه، رابطه بین ارزش فرزندان، ارزش‌های خانوادگی و روابط بین نسلی نشان داده که تشابه زیادی بین جوانان و مادران هست.

کاجیتسیاسی و آتاکا^۴ (۲۰۰۵) در تحقیقی پیرامون "ارزش کودکان و تغییرات خانواده" در سه دهه پیاپی در ترکیه به بررسی ارزش کودکان در میان سه نسل از سه قشر اقتصادی- اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌ها بیان‌گر افزایش شدید بعد روان‌شناختی ارزش فرزندان و به طور هم‌زمان کاهش بعد اقتصادی ارزش کودکان در سه دهه اخیر می‌باشد. ترجیح جنسی دختر جایگزین ترجیح جنسی پسر شده است. تغییری که در نگرش مادران به داشتن فرزند و تعداد مطلوب فرزند نمود یافته، منجر به نرخ پایین باروری می‌گردد. رانی، بابو وردی^۵ (۲۰۰۳) به بررسی "ارزش اقتصادی فرزندان و باروری" در هند پرداخته‌اند، یافته‌ها

1. Iman & Soroush
2. Dyer
3. Kim
4. Ataca
5. Rani, Babu & Reddy

نشان داده که ارزش فرزندان با عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی و روانی مرتبط است. در کشورهای درحال توسعه شبیه هند، محرک‌های اقتصادی بر تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند زیاد، تأثیر می‌گذارند. ارزش اقتصادی فرزند تحت تأثیر دو عامل است، فرزندان از طریق مشارکت‌شان در نیروی کار و امنیت دوران پیری، برای خانواده درآمد ایجاد می‌کنند.

مبانی نظری تحقیق

نظریه ارزش کودکان^۱ با مطرح کردن دواصل کاهش عدم اطمینان و افزایش انسجام زناشویی، معتقد است که بچه‌دار شدن که از علایق اولیه افراد است، یکی از منابع کاهش عدم اطمینان و درکنار منابع دیگری همچون مشاغل دائمی می‌باشد. بنابراین، بیشترین انگیزه‌های پدر و مادر شدن در میان کسانی وجود دارد که به دلایل مختلفی با عدم اطمینان بیشتری روبه‌رو می‌باشند. استدلال این نظریه پیرامون ارزش کودکان برای کاهش عدم اطمینان تنها در مورد جوامع توسعه‌یافته که کودکان هزینه‌های اقتصادی عمده‌ای بر دوش والدین می‌گذارند، به کار گرفته شده است. اما کاربرد این استدلال در جوامع کمتر توسعه‌یافته دشوار است (فردمن^۲ ۱۹۹۴).

نظریه اقتصاد باروری^۳ توسط لیبنشتاین^۴ در دهه ۷۰-۱۹۶۰ ارائه شده است و در پی تبیین عوامل تأثیرگذار بر تعداد مطلوب تولدها در هر خانواده می‌باشد. این نظریه بر این فرض استوار است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. این تصمیم خود مبتنی بر محاسباتی است که بر توازن بین رضایت‌مندی‌ها یا فواید حاصل از یک تولد اضافی در مقابل هزینه‌های مالی و روان‌شناختی ناشی از آن متکی است. این دیدگاه معتقد است که طی فرآیند توسعه و نوسازی، درآمدها افزایش و باروری کاهش می‌یابد. سودمندی‌های تولیدی و تأمین کودک اضافی کاهش یافته و هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم او افزایش می‌یابد (لیبنشتاین ۱۹۷۷).

نظریه جریان‌ات ثروت بین نسلی^۵ توسط کالدول^۶ در سال ۱۹۷۶ مطرح شده است، به نظر او در جوامع بدوی و سنتی، برای بچه‌هایی که از نظر اقتصادی سودمند هستند، محدودیت تعداد وجود ندارد. در چنین جوامعی، بچه‌ها برای پدر و مادر در طول زندگی‌شان منبع حمایت و درآمد محسوب می‌شوند و

1. theory of the value of children
2. Freedman
3. economic theory of fertility
4. Leibenstein
5. intergenerational wealth flows theory
6. Caldwell

بسیار بیشتر از هزینه‌هایشان تولید می‌کنند. جریان ثروت از کودکان به پدر و مادر است، اما فرآیند تجدید در نهایت خانواده‌های گسترده و بزرگ را به واحدهای هسته‌ای کوچک‌تری که از نظر اقتصادی و روحی خودکفا باشند، تقسیم می‌کند. در این صورت، بچه‌ها برای پدر و مادر هزینه بیشتری خواهند داشت و میزان حمایت‌شان از پدر و مادر کاهش خواهد یافت و جریان ثروت از والدین به فرزند تغییر می‌یابد. زمانی که پدر و مادر از درآمد خود برای فرزندان هزینه کنند، از ارزش اقتصادی کودکان کاسته خواهد شد. منطق اقتصادی حکم می‌کند که اصلاً فرزندی نداشته باشند، اما به دلایل گوناگون اجتماعی به بچه‌دار شدن ادامه می‌دهند (ویکس ۱۳۸۵). به نظر کالدول، در شرایطی که فرزندان مهم‌ترین منبع امنیت اقتصادی هستند، باروری بالا یکی از ویژگی‌های جامعه خواهد بود. اما به محض این که جریان ثروت برعکس شود و فرزندان به یک مانع اقتصادی تبدیل گردند، باروری کاهش خواهد یافت.

دومانت^۱ جمعیت‌شناس فرانسوی در سال‌های پایانی قرن نوزده، اصلی^۲ نو در مورد جمعیت به نام "موینگی اجتماعی"^۳ مطرح کرد. موینگی اجتماعی به تمایل فرد برای ارتقای سطح اجتماعی خود، افزایش فردیت و سرمایه فردی اطلاق می‌گردد. بدین معنی که ارتقا اجتماعی نیازمند فداکاری (صرف نظر از داشتن فرزند بیشتر) است (ویکس ۱۹۹۹). دومانت معتقد بود که داشتن فرزند کمتر، بهایی است که زوجین برای پیشرفت اجتماعی باید بپردازند. اسپنگلر^۴، نظر دومانت را چنین خلاصه کرده است: بخش اعظم جمعیت نه تنها برای پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کوشید، بلکه تمایلی شدید به پیشرفت و ترسی فلج‌کننده از پسرفت را آزمود. در نتیجه، از آن‌جا که بچه‌ها موجب پسرفت فردی و خانوادگی می‌شدند، تعدادشان محدود گردید (ویکس ۱۳۸۵).

در دیدگاه روان‌شناختی^۵، احساسات روانی تعیین‌کننده ارزش فرزند هستند. ارزش‌های خاص در نیازهای روان‌شناختی معینی قرار گرفته‌اند که این ارزش‌ها می‌توانند برخی جنبه‌های پدر و مادر شدن را تکمیل کنند، اگرچه ممکن است شیوه‌های جایگزین دیگری وجود داشته باشد. هافمن^۶ نه مقوله را برای ارزش روان‌شناختی فرزند برای والدین ارائه می‌دهد: هویت اجتماعی، کمال فردی و توسعه خود، اخلاقیات، پیوندهای گروه نخستین، عاطفه و مهربانی، انگیزش، تازگی، سرگرمی و شادی، موفقیت و دستیابی شایستگی، آفرینندگی، قدرت اعمال نفوذ، مقایسه اجتماعی و رقابت و سودمندی اقتصادی کودکان (هافمن ۱۹۷۲).

1. Dumont
2. principle
3. social capillarity
4. Spengler
5. psychological perspective
6. Hoffman

چارچوب نظری تحقیق

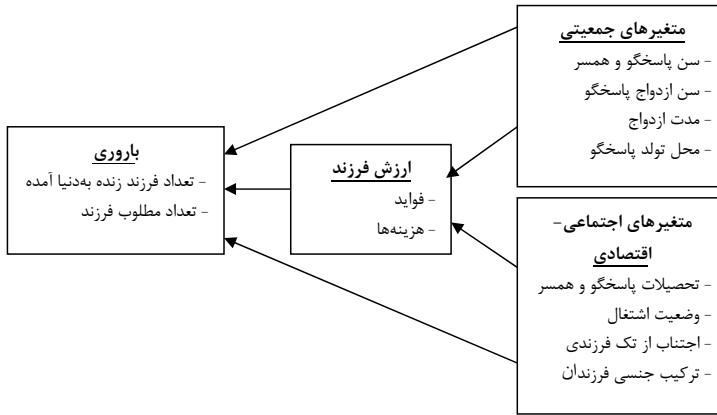
در این پژوهش از دسته‌بندی ارزش و هزینه کودکان فاوست و مقوله‌های روان‌شناختی هافمن استفاده شده است. فاوست با توجه به مطالعات مقایسه‌ای، این دسته‌بندی را ارائه کرده است. از نظر ارزش کودکان دارای دو جنبه اساسی می‌باشد: ارزش‌های مثبت یا رضامندی‌های اقتصادی و غیراقتصادی، ارزش‌های منفی یا هزینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی. از نظر پدر و مادر "ارزش کودکان" توازن خالص بین این دو نیروی مخالف است. البته در مطالعه و تجزیه و تحلیل این موضوع، باید اجزاء مثبت یا رضامندی‌ها و اجزاء منفی یا هزینه‌ها را جداگانه مورد بررسی قرار داد. (فاوست ۱۹۷۴).

طبق این دسته‌بندی، ارزش‌های مثبت از طریق رضامندی‌های احساسی و روانی، رضامندی‌های اقتصادی و امنیت (کار در خانه، نگهداری در پیروی)، کمال فردی و توسعه خود (پذیرفتن مسئولیت، یادگیری و تجربه زندگی از طریق بزرگ کردن و پرورش فرزند)، همانندی با فرزندان (لذت بردن از رشد جسمی و فکری کودکان) و همبستگی و تداوم خانواده (کودکان به عنوان وسیله تحکیم روابط زن و شوهر و تداوم ازدواج و نام خانوادگی) سنجیده شده است. در مقابل، هزینه‌ها با هزینه‌های روانی - احساسی (نگرانی درباره سلامتی، رفتار و پرورش کودکان)، هزینه‌های اقتصادی (هزینه تحصیل)، محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست رفته و مسائل خانوادگی (محدودیت‌های شرکت در فعالیت‌های اجتماعی) مورد سنجش قرار گرفته است. دسته‌بندی فاوست، مرجع این تحقیق در زمینه ارزش کودکان در ابعاد اقتصادی، روانی و اجتماعی می‌باشد.

بعد مذهبی ارزش کودکان برگرفته از دیدگاه روان‌شناختی هافمن است که اخلاقیات (مذهب) را به عنوان یکی از مقوله‌های ارزش روان‌شناختی فرزند برای والدین مطرح کرده است. در این تحقیق هم‌چنین سعی شده تا رابطه میان تمایل مادران برای داشتن فرزند اضافی (اجتناب از تک فرزندی) و ترکیب جنسی فرزندان (تمایل به داشتن فرزند از هر دو جنس) و گرایش آن‌ها به باروری بررسی گردد. از دسته‌بندی فاوست در زمینه تمایل مادران به داشتن فرزند اضافی (استحکام روابط همسران و...) و ترکیب جنسی فرزندان (با هدف تجربه بزرگ کردن و پرورش فرزندان از هر دو جنس) استفاده شده است.

مدل تحقیق

مدل تحقیق با در نظر گرفتن متغیرهای تأثیرگذار بر باروری (واقعی و ایده‌ال) و ارزش فرزندان ارائه می‌گردد. با توجه به مدل تحقیق، این پژوهش درصدد نشان دادن رابطه متغیرهای جمعیتی و اقتصادی اجتماعی با ارزش فرزند و باروری می‌باشد. ضمن این‌که تلاش دارد تا رابطه ارزش فرزند و باروری را مورد مطالعه قرار دهد.



روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. جامعه آماری این تحقیق را زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز تشکیل می‌دهند که مطابق داده‌های مرکز آمار ایران و بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، معادل ۳۲۹۶۱۷ نفر می‌باشند. با توجه به جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از جدول لین در سطح ۹۵ درصد اطمینان، ۳۸۱ نفر برآورد گردیده، اما اطلاعات ۴۰۶ نفر به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شده است. این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم و نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انجام شده است. ابتدا با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری (مناطق، حوزه‌ها) و تعیین فواصل نمونه، در هر یک از مناطق شهر شیراز چند حوزه به صورت سیستماتیک انتخاب شده است. سپس در هر حوزه، با همین روش چند بلوک (هر بلوک یک خوشه) انتخاب گردیده است. آن‌گاه در هر بلوک، تعدادی خانوار به صورت تصادفی انتخاب شده است. با توجه به یکسان نبودن تعداد خانوار در مناطق، سهم خانوارهای هر منطقه در نمونه، به تناسب تعداد خانوارهای هر منطقه تعیین گردیده است. در نهایت، با زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله خانوارهای انتخاب شده، مصاحبه به عمل آمده است.

متغیر وابسته، باروری است که با تعداد فرزند زنده به دنیا آمده (باروری واقعی) و تعداد مطلوب فرزند (باروری ایده‌آل) سنجیده شده است. متغیرهای مستقل شامل متغیرهای جمعیتی و متغیرهای اجتماعی-اقتصادی می‌باشند. متغیرهای جمعیتی شامل سن پاسخگو و سن همسر (تعداد سال‌های عمر آن‌ها)، سن ازدواج پاسخگو و مدت ازدواج که در سطح سنجش فاصله‌ای بوده‌اند و محل تولد (شهر و روستا) که در سطح سنجش اسمی است. متغیرهای اجتماعی-اقتصادی شامل تحصیلات

پاسخگو و تحصیلات همسر (تعداد سال‌های تحصیل پاسخگو و همسر) که در سطح سنجش فاصله‌ای است. وضعیت اشتغال که به صورت اسمی (شاغل و خانه‌دار) سنجیده شده است. تمایل به ترکیب جنسی فرزندان (تمایل پاسخگو به داشتن فرزندی از هر دو جنس) که به صورت اسمی سنجیده شده است. اجتناب از تک فرزندی با استفاده از گویه‌های (تمایل پاسخگو برای داشتن بیش از یک فرزند جهت استحکام روابط زوجین و داشتن فرزند دیگر به منظور یار و همدم فرزند اول) و به صورت فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر واسطه‌ای ارزش فرزند در دو بعد فواید و هزینه‌های فرزند و به وسیله ۴۴ گویه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانی و مذهبی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. نمره ارزش فرزندان از جمع نمره گویه‌ها به دست آمده است و نمره بالاتر، ارزش بیشتر فرزند را نشان می‌دهد. ضریب آلفای مقیاس ارزش فرزند، ۰/۸۶ است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین فراوانی به زنانی اختصاص دارد که در گروه‌های سنی ۳۰-۳۴ سال (۲۴/۶ درصد) و ۲۵-۲۹ سال (۲۰ درصد) قرار دارند. میانگین سن زنان و همسران آن‌ها، به ترتیب، ۳۵/۱۵ سال و ۴۰/۷۶ سال می‌باشد. ۸۵/۹ درصد از زنان متولد شهر هستند. ۳۸/۷ درصد از پاسخگویان تحصیلات دیپلم و ۲۸/۳ درصد آن‌ها تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند. از بین همسران پاسخگویان، ۳۳/۷ درصد دارای مدرک دیپلم هستند، در حالی که ۳۳/۸ درصد آن‌ها مدرک لیسانس و بالاتر دارند. در بین پاسخگویان، گروه سنی ۲۰-۲۴ سال با توزیع ۴۴/۲ درصد و گروه سنی ۳۵-۳۹ سال با توزیع ۳۳/۷ درصد، به ترتیب، بیشترین و کمترین توزیع گروه سنی ازدواج را به خود اختصاص می‌دهند. میانگین سن ازدواج پاسخگویان ۲۰/۷۷ سال و میانگین مدت ازدواج، ۱۴/۳۵ سال می‌باشد. ۱۹/۳ درصد از پاسخگویان شاغل و ۸۰/۷ درصد خانه‌دار هستند. میانگین نمره اجتناب از تک فرزندی، ۸/۱۶ می‌باشد. جدول ۱ میانگین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین متغیرها

متغیر	میانگین
سن پاسخگو	۳۵/۱۵
سن همسر	۴۰/۷۶
سن ازدواج پاسخگو	۲۰/۷۷
مدت ازدواج	۱۴/۳۵
تحصیلات پاسخگو	۱۲/۲۹
تحصیلات همسر	۱۲/۸۲
اجتناب از تک فرزندی	۸/۱۶

ارزش کودکان و رفتار باروری در شهر شیراز

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار گویه‌های ارزش فرزند را نشان می‌دهد. بیشترین میانگین به گویه‌های «فرزند نعمت الهی است» با رقم ۴/۷۱، «والدین از تماشای بزرگ شدن فرزندان لذت می‌برند» با رقم ۴/۶۹ و «پیشرفت بچه‌ها باعث سربلندی و افتخار والدین است» با رقم ۴/۶۸ اختصاص دارد. کمترین مقادیر میانگین ۲/۴۱ و ۲/۵۶، به ترتیب، متعلق به گویه‌های «فرزندان باعث برهم خوردن آرامش زن و شوهر می‌شوند» و «فرزند کمک خرج خانواده است» می‌باشند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار گویه‌های ارزش فرزند

انحراف معیار	میانگین	گویه	انحراف معیار	میانگین	گویه
بعد روانی					
۱/۳۲	۳/۵۰	بدون فرزند خانواده تکمیل نمی‌شود.			
۱/۲۲	۳/۸۱	فرزندان باعث تداوم زندگی مشترک می‌شوند.	۰/۸۴	۴/۲۳	فرزندان سرگرم‌کننده هستند.
۰/۶۰	۴/۶۸	پیشرفت بچه‌ها باعث سربلندی و افتخار والدین است.	۰/۶۱	۴/۵۶	باعث نشاط زندگی می‌شوند.
۱/۳۷	۲/۷۵	کسی که فرزند ندارد اجاقش کور است.	۱/۱۵	۲/۲۵	باعث برهم خوردن آرامش زن و شوهر می‌شوند.
۰/۵۹	۴/۶۹	والدین از تماشای بزرگ شدن فرزندان لذت می‌برند.	۰/۸۹	۴/۳۳	مونس و همدل والدین هستند.
۰/۸۹	۴/۲۴	فرزندان باعث ادامه نسل می‌شوند.	۱/۳۶	۳/۴۴	نداشتن بچه شکست بزرگی است.
بعد اقتصادی					
			۱/۱۵	۳/۸۶	زندگی بدون بچه یکنواخت است.
۱/۰۷	۳/۶۵	فرزند در زمان ناتوانی والدین از آن‌ها مراقبت می‌کند.	۱/۰۹	۳/۸۶	آزادکننده عزیزه پدری و مادری هستند.
۱/۱۵	۳/۴۹	در کارهای خانه کمک می‌کنند.	۱/۳۵	۲/۸۱	باعث کم توجهی زن و شوهر به هم می‌شوند.
۱/۱۸	۳/۶۱	عصای والدین به وقت پیری هستند.	۰/۸۹	۴/۱۲	باعث افزایش اعتماد به نفس والدین هستند.
۱/۱۱	۲/۵۶	فرزند کمک خرج خانواده است.	۱/۲۰	۳/۸۳	داشتن بچه در امان بودن از طعنه و کنایه مردم است.
۰/۹۳	۴/۲۳	مخارج تهیه غذا، پوشاک و ... فرزندان زیاد است.	۰/۹۷	۴/۱۲	فرزند باعث امیدواری والدین به زندگی می‌شود.
۰/۹۷	۴/۰۶	بیمار شدن بچه‌ها مشکل آفرین و هزینه‌بر است.	۱/۰۷	۳/۹۰	فرزندان برای والدین ایجاد نگرانی می‌کنند.
۰/۹۲	۴/۲۵	مخارج تحصیل فرزندان زیاد است.	۱/۰۶	۴/۰۴	آدم بدون بچه تپه‌ناست.
بعد اجتماعی					
۱/۲۰	۳/۱۵	در محیط کار کمک به حال والدین هستند.			
۱/۰۷	۳/۸۰	با وجود هزینه‌های اقتصادی بهتر است فرزند داشته باشیم.	۰/۹۶	۳/۸۶	تربیت فرزند سخت است.
۱/۰۷	۳/۵۵	در حل مشکلات خانه کمک می‌کنند.	۱/۲۷	۳/۱۴	باعث محدود شدن اوقات فراغت والدین می‌شوند.
۱/۲۷	۳/۱۶	رفاه مادی زن و شوهر را کاهش می‌دهند.	۰/۸۷	۴/۳۷	حس مسئولیت‌پذیری والدین را بالا می‌برند.
بعد مذهبی					
			۱/۰۳	۳/۸۲	باعث زیاد شدن خویشتن‌داری می‌شوند.
۱/۳۱	۳/۶۰	بچه‌دار شدن وظیفه شرعی هر پدر و مادر است.	۱/۱۹	۲/۷۸	فرزندان، فرصت حضور زنان در اجتماع را کم می‌کنند.
۰/۵۰	۴/۷۱	فرزند نعمت الهی است.	۱/۰۹	۳/۹۶	بچه‌ها حفظ‌کننده نام خانوادگی هستند.
۱/۴۱	۲/۸۱	جولوگیری از بارداری دخالت در کار خداست.	۰/۸۲	۴/۳۴	وارث خانواده هستند.
۱/۰۷	۴/۰۲	فرزندان بعد از مرگ والدین می‌توانند وسیله رسیدن خیر به آن‌ها باشند.	۰/۹۷	۴/۰۶	باعث ایجاد صمیمیت بیشتر بین زن و شوهر می‌شوند.
۱/۳۳	۳/۱۹	با فرزند بیشتر بیرون دین و آیین‌مان بیشتر می‌شود.	۱/۲۵	۲/۹۷	منع کار کردن مادر در خارج از خانه می‌شوند.

رابطه متغیرهای جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی با باروری و ارزش فرزندان

جدول ۳ بیان‌گر آن است که همبستگی مثبت و معنی‌داری (۰/۶۷۳=۲) بین سن زن و تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده وجود دارد. بین سن همسر پاسخگو و تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، نیز همبستگی معنی‌دار و نسبتاً قوی (۰/۶۵۲) مشاهده می‌گردد. بدین معنی که با افزایش سن زن و همسر، تعداد فرزندان زنده متولد شده‌شان هم بیشتر می‌شود. بیشترین همبستگی در مورد مدت ازدواج و باروری

مشاهده می‌گردد. همبستگی مثبت و قوی بین متغیرهای یادشده بیان‌گران است که با افزایش مدت ازدواج، فرصت بچه‌دار شدن افزایش می‌یابد. بین متغیرهای سن پاسخگو، سن همسر و مدت ازدواج با تعداد مطلوب فرزند، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، اما این رابطه قوی نیست.

یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه منفی و معنی‌داری بین سن ازدواج پاسخگو با تعداد فرزند زنده به دنیا آمده، وجود دارد. زنانی که در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند، فرزند کمتری به دنیا می‌آورند و تعداد کمتر فرزند را مطلوب می‌دانند، این تفکر در مورد مردان قوی‌تر است. ارزش کودکان با سن پاسخگو، سن همسر و مدت ازدواج رابطه مثبت دارد. یعنی زنانی که در سنین بالاتر هستند و یا مدت زیادتری از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، برای فرزندان ارزش بیشتری قائل شده‌اند. اما سن ازدواج با متغیر ارزش کودکان رابطه معکوس دارد. زنانی که در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند، ارزش فرزند را کمتر ارزیابی نموده‌اند. به نظر می‌رسد برخورداری این زنان از فرصت‌های اجتماعی دیگر، بر این مسئله تأثیر داشته باشد.

اطلاعات جدول ۳ هم‌چنین نشان‌دهنده همبستگی منفی بین تحصیلات و باروری می‌باشد. یعنی هر چه میزان تحصیلات بالاتر باشد، تعداد فرزند زنده به دنیا آمده زنان کمتر است. بین متغیرهای تحصیلات (زنان و همسران) و باروری، همبستگی معنی‌داری وجود دارد. متغیرهای یادشده با تعداد مطلوب فرزند نیز رابطه منفی نشان می‌دهند، اما شدت همبستگی آن‌ها چندان زیاد نیست. بین متغیر اجتناب از تک فرزندی و تعداد فرزند زنده به دنیا آمده و تعداد مطلوب فرزند، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که هر چه گرایش زنان به داشتن بیش از یک فرزند بیشتر باشد، تعداد فرزندان متولدشده آن‌ها بیشتر است و نگرش مثبت‌تری به تعداد بیشتر فرزند دارند. رابطه منفی بین تحصیلات پاسخگو و همسر و ارزش فرزند بیان‌گران است که زنان و مردان باسوادتر، ارزش کمتری برای فرزند قائل هستند. زنانی که تک فرزندی را قبول ندارند، نمره بالاتری به ارزش فرزندان داده‌اند.

جدول ۳. همبستگی بین متغیرهای جمعیتی و اجتماعی - اقتصادی با باروری و ارزش فرزند

متغیر	تعداد فرزند زنده به دنیا آمده		تعداد مطلوب فرزند		ارزش فرزند	
	ضریب همبستگی	معنی‌داری	ضریب همبستگی	معنی‌داری	ضریب همبستگی	معنی‌داری
سن پاسخگو	۰/۶۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۳	۰/۰۲۵	۰/۱۲۲	۰/۰۳۵
سن همسر	۰/۶۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴	۰/۰۲۴	۰/۰۹۴	۰/۱۰۵
سن ازدواج پاسخگو	-۰/۵۳۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۸	۰/۰۳۱	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۰
مدت ازدواج	۰/۸۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۲	۰/۰۰۴	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰
تحصیلات پاسخگو	-۰/۴۵۶	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۰	۰/۰۲۹	-۰/۳۱۰	۰/۰۰۰
تحصیلات همسر	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۰	۰/۳۲۴	-۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
اجتناب از تک فرزندی	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰

جدول ۴ آزمون تفاوت میانگین باروری و ارزش فرزند را بر حسب محل تولد پاسخگویان نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین باروری در بین زنانی که متولد روستا بوده‌اند، بیشتر از زنانی است که در شهر متولد شده‌اند و این تفاوت معنادار است. اما در مورد تعداد مطلوب فرزند بین زنان متولد شهر و روستا، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد. این وضعیت در مورد ارزش فرزند مصداق دارد و با وجود این که میانگین نمره ارزش فرزند زنان روستایی بیشتر است، اما این تفاوت معنادار نمی‌باشد.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین باروری و ارزش فرزند بر حسب محل تولد

متغیر	محل تولد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
تعداد فرزند زنده به دنیا آمده	شهر	۳۴۸	۱/۶۸	۱/۲۳۲	۴/۵۹۸	۰/۰۰۰
	روستا	۵۷	۲/۵۱	۱/۴۷۷		
تعداد مطلوب فرزند	شهر	۳۴۱	۲/۱۵	۰/۷۲۲	۰/۶۲۰	۰/۵۳۵
	روستا	۵۶	۲/۲۱	۰/۷۳۱		
ارزش فرزند	شهر	۲۵۵	۱۷۱/۸۳	۱۸/۷۴۰	۱/۹۵۳	۰/۰۵۶
	روستا	۴۰	۱۷۷/۴۸	۱۶/۷۱۵		

جدول ۵ بیان‌گر آن است که تفاوت معنی‌داری بین تعداد فرزند زنده به دنیا آمده زنان شاغل و خانه‌دار وجود دارد. بالاتر بودن میانگین باروری زنان خانه‌دار (۱/۹۰ فرزند) در مقایسه با زنان شاغل (۱/۳۸ فرزند) بیان‌گر آن است که زنان شاغل به دلیل مسئولیت‌های شغلی تمایل کمتری برای بچه‌دار شدن نشان می‌دهند و فرزندان ارزش کمتری از نظر آن‌ها دارند. زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل، تعداد بیشتری فرزند (۲/۱۹) را مطلوب می‌دانند.

جدول ۵. آزمون تفاوت میانگین باروری و ارزش فرزند بر حسب وضعیت اشتغال

متغیر	وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
تعداد فرزند زنده به دنیا آمده	شاغل	۷۸	۱/۳۸	۱/۱۸۷	-۳/۱۶۴	۰/۰۰۲
	خانه‌دار	۳۲۷	۱/۹۰	۱/۳۰۴		
تعداد مطلوب فرزند	شاغل	۷۷	۲/۰۱	۰/۷۳	-۱/۹۴۸	۰/۰۵۴
	خانه‌دار	۳۲۰	۲/۱۹	۰/۷۱		
ارزش فرزند	شاغل	۶۰	۱۶۸/۱۵	۲۲/۸۸۱	-۲/۰۹۵	۰/۰۳۷
	خانه‌دار	۲۳۶	۱۷۳/۷۳	۱۷/۱۳۴		

اطلاعات جدول ۶ بیان‌گر آن است که بین باروری زنانی که تمایل به داشتن فرزندان از هر دو جنس دارند و آن‌هایی که چنین خواسته‌ای ندارند، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد. زنانی که خواهان داشتن فرزند پسر و دختر می‌باشند، به‌طور متوسط، ۱/۹۳ فرزند به دنیا آورده‌اند. این رقم برای سایر زنان، ۱/۷۱ فرزند می‌باشد. به نظر می‌رسد که مادران برای دستیابی به شمار مناسبی از فرزندان پسر و دختر، به باروری مبادرت می‌ورزند. تعداد مطلوب فرزند از نظر زنانی که تمایل به ترکیب جنسی فرزندان دارند، بیشتر از سایر زنان است. ارزش فرزند بین زنانی که تمایل به داشتن فرزندان از هر دو جنس دارند و آن‌هایی که چنین خواسته‌ای ندارند، تفاوت معناداری نشان نمی‌دهد.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین باروری و ارزش فرزند بر حسب ترکیب جنسی فرزندان

متغیر	ترکیب جنسی فرزندان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
تعداد فرزند زنده به دنیا آمده	تمایل به ترکیب جنسی	۱۶۱	۱/۹۳	۱/۳۶۳	۱/۶۵۰	۰/۱۰۰
	عدم تمایل به ترکیب جنسی	۲۴۳	۱/۷۱	۱/۲۵۴		
تعداد مطلوب فرزند	تمایل به ترکیب جنسی	۱۵۷	۲/۳۸	۰/۱۷۷	۴/۹۶	۰/۰۰۰
	عدم تمایل به ترکیب جنسی	۲۴۱	۲/۰۱	۰/۱۶۴		
ارزش فرزند	تمایل به ترکیب جنسی	۱۷۵	۱۷۲/۵۷	۱۹/۰۹۰	۰/۰۰۹	۰/۹۲۶
	عدم تمایل به ترکیب جنسی	۱۲۲	۱۷۲/۷۷	۱۷/۷۶۰		

بر اساس جدول ۷ بین ارزش فرزند و تعداد فرزند زنده به دنیا آمده، همبستگی مثبت و کاملاً معناداری وجود دارد. اگر چه این رابطه مثبت و معنادار در مورد فواید داشتن فرزند مصداق دارد و زنانی که بر فایده بچه داشتن تأکید می‌کنند، باروری بیشتری دارند، اما هزینه‌های داشتن فرزند و باروری رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. زنانی که بر ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، روانی و مذهبی داشتن فرزند، تأکید دارند، تعداد بیشتری فرزند به دنیا آورده‌اند و چهار بعد ارزش، همبستگی مثبتی را با باروری نشان می‌دهند. اما بین ارزش روانی و باروری رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین فواید اجتماعی و اقتصادی و باروری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، اگر چه فواید اجتماعی همبستگی بیشتری را نشان می‌دهد. تمامی ابعاد هزینه‌ها، فاقد رابطه معنادار با باروری می‌باشند. ابعاد اجتماعی و روانی ارزش فرزند با تعداد مطلوب فرزند رابطه معناداری ندارند. فواید اقتصادی با تعداد مطلوب فرزند رابطه معناداری نشان می‌دهند.

جدول ۷. همبستگی بین ابعاد ارزش فرزند و باروری

تعداد مطلوب فرزند		تعداد فرزند زنده به دنیا آمده		
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۵	۰/۱۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۰۹	ارزش فرزند
۰/۰۰۲	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱	۰/۱۶۸	ارزش اقتصادی
۰/۴۶۸	۰/۰۴۰	۰/۰۰۸	۰/۱۴۳	ارزش اجتماعی
۰/۲۱۰	۰/۰۶۷	۰/۰۶۹	۰/۰۹۶	ارزش روانی
۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	۰/۰۰۶	۰/۱۳۸	ارزش مذهبی
۰/۰۰۶	۰/۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۷	فواید فرزند
۰/۰۰۳	۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	فواید اقتصادی
۰/۰۹۶	۰/۰۹۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۰	فواید اجتماعی
۰/۲۹۵	۰/۰۵۵	۰/۱۴۲	-۰/۰۲۷	فواید روانی
۰/۳۷۴	۰/۰۴۷	۰/۲۲۹	-۰/۰۶۳	هزینه‌های فرزند
۰/۱۵۸	۰/۰۷۱	۰/۰۵۴	-۰/۰۹۶	هزینه‌های اقتصادی
۰/۵۹۲	۰/۰۲۸	۰/۳۶۳	-۰/۰۵۷	هزینه‌های اجتماعی
۰/۲۰۲	۰/۰۶۶	۰/۸۱۳	۰/۰۱۲	هزینه‌های روانی

جدول ۸ نمایانگر تبیین تعداد فرزند زنده به دنیا آمده بر حسب متغیرهای جمعیتی، اجتماعی- اقتصادی و ارزش فرزند می‌باشد که با استفاده از روش رگرسیون گام به گام انجام گرفته است. در بین متغیرهای جمعیتی، مدت ازدواج با ضریب بتای ۰/۸۰۱، بیشترین قدرت تبیین را دارد و با تعداد فرزند زنده به دنیا آمده رابطه مستقیم نشان می‌دهد. زنانی که مدت زیادتری از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، تعداد بیشتری فرزند به دنیا آورده‌اند. این متغیر ۶۴/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در مرحله دوم و سوم، متغیرهای محل تولد و سن ازدواج وارد مدل شده و واریانس تبیین شده را به ۶۶/۱ درصد افزایش داده‌اند. از بین متغیرهای اجتماعی- اقتصادی، تحصیلات پاسخگو با ضریب بتای معادل ۰/۴۵۶- و تمایل به ترکیب جنسی فرزندان با بتای ۰/۱۱۹ وارد معادله شده‌اند. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، تعداد کمتری فرزند به دنیا آورده‌اند. اما تمایل به ترکیب جنسی فرزندان، موجب شده تا زنان به باروری بیشتر مبادرت ورزند. این دو متغیر در مجموع ۲۲/۲ درصد از واریانس باروری واقعی را تبیین نموده‌اند. فواید اجتماعی، فواید اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی، از بین متغیرهای ارزش فرزند وارد مدل شده‌اند. فواید اجتماعی و اقتصادی با ضرایب بتای مثبت نشان می‌دهند که هر چه فایده اجتماعی و اقتصادی فرزندان از نظر زنان بیشتر باشد، تعداد بیشتری فرزند به دنیا آورده‌اند. در مقابل،

باور به هزینه اجتماعی فرزند، مانع از داشتن تعداد زیادتر فرزند می‌شود. متغیرهای ارزش فرزند، ۹/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

جدول ۸. ضرایب رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل (متغیرهای جمعیتی، اجتماعی- اقتصادی و ارزش فرزند) بر باروری واقعی

Sig F	مقدار F	B	Beta	R ^۲	R	متغیر	مراحل	ارزیابی مدل
۰/۰۰۰	۳۵۸/۴۱۰	۰/۱۱۰	۰/۸۰۱	۰/۶۴۱	۰/۸۰۱	مدت ازدواج	اول	بر حسب متغیرهای جمعیتی
		-۰/۴۳۳	-۰/۱۱۴	۰/۶۵۴	۰/۸۰۸	محل تولد (شهر)	دوم	
		-۰/۰۳۳	-۰/۱۰۸	۰/۶۶۱	۰/۸۱۳	سن ازدواج	سوم	
۰/۰۰۰	۵۷/۴۸۵	-۰/۱۵۹	-۰/۴۵۶	۰/۳۰۸	۰/۴۵۶	تحصیلات	اول	بر حسب متغیرهای اجتماعی- اقتصادی
		۰/۳۱۶	۰/۱۱۹	۰/۳۲۲	۰/۴۷۱	تمایل به ترکیب جنسی فرزندان	دوم	
۰/۰۰۰	۱۰/۵۳۱	۰/۰۴۵	۰/۲۴۶	۰/۰۶۱	۰/۲۴۶	فواید اجتماعی	اول	بر حسب متغیرهای ارزش فرزند
		۰/۰۴۵	۰/۱۵۸	۰/۰۸۰	۰/۲۸۴	فواید اقتصادی	دوم	
		-۰/۰۳۷	-۰/۱۱۶	۰/۰۹۳	۰/۳۰۵	هزینه‌های اجتماعی	سوم	

جدول ۹ متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون را جهت تبیین باروری ایده‌آل نشان می‌دهد. مدت ازدواج تنها متغیر جمعیتی است که وارد مدل شده و ۲/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. از بین متغیرهای اجتماعی- اقتصادی، اجتناب از تک فرزندی با ضریب بتای ۰/۳۷۵ و ترکیب جنسی با بتای ۰/۱۸۰ وارد مدل شده‌اند. پاسخگویانی که بیش از یک فرزند می‌خواهند، تعداد بیشتری فرزند را مطلوب دانسته‌اند. به همین نحو، زنانی که تمایل دارند فرزندان از هر دو جنس داشته باشند، خواهان تعداد بیشتری فرزند هستند. متغیرهای یادشده، ۱۷/۲ درصد از واریانس باروری ایده‌آل را توضیح می‌دهند. فواید اقتصادی تنها متغیر ارزش فرزند است که وارد مدل شده و مقدار کمی (۱/۶ درصد) از واریانس را تبیین نموده است.

جدول ۹. ضرایب رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر حسب متغیرهای جمعیتی، اجتماعی- اقتصادی و ارزش فرزند بر باروری ایده‌آل

Sig F	مقدار F	B	Beta	R ^۲	R	متغیر	مراحل	ارزیابی مدل
۰/۰۰۴	۸/۲۵۱	۰/۰۱۱	۰/۱۴۴	۰/۰۲۱	۰/۱۴۴	مدت ازدواج	اول	بر حسب متغیرهای جمعیتی
۰/۰۰۰	۴۰/۵۱۱	۰/۱۵۳	۰/۳۷۵	۰/۱۴۱	۰/۳۷۵	اجتناب از تک فرزندی	اول	بر حسب متغیرهای اجتماعی- اقتصادی
		۰/۲۶۶	۰/۱۸۰	۰/۱۷۲	۰/۴۱۵	تمایل به ترکیب جنسی فرزندان	دوم	
۰/۰۲۸	۴/۸۷۵	۰/۰۲۰	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۱۲۸	فواید اقتصادی	اول	بر حسب متغیرهای ارزش فرزند

بحث و نتیجه‌گیری

کودکان موهبت الهی هستند و تداوم و بقای جامعه در گرو پرورش کودکان است و به همین جهت یکی از کارکردهای مهم خانواده تولیدمثل و نگهداری از فرزندان است. اما این تنها دلیل والدین برای خواستن فرزند نمی‌باشد. برای آن‌ها کودکان منبع شادی، لذت و محبت هستند و می‌توانند در ابعاد اجتماعی و اقتصادی، فوایدی برای والدین داشته باشند. اما کودکان هزینه نیز دارند. اگر چه تعدادی از تحقیقات در مورد ارزش فرزندان (هزینه‌ها و فایده‌ها) به اندازه‌گیری دقیق هزینه‌ها و فایده‌های اقتصادی پرداخته‌اند، این پژوهش، نگرش زنان را در مورد هزینه‌ها و فایده‌های فرزندان مورد مطالعه قرار داده و به بررسی رابطه ارزش فرزند و رفتار باروری پرداخته است.

از میان متغیرهای جمعیتی، سن پاسخگو و مدت ازدواج با باروری و ارزش فرزندان رابطه معنی‌دار و مستقیم دارند که با نتایج تحقیق رئیسی (۱۳۷۶) مشابه است. سن همسر با باروری رابطه مثبت و معنی‌دار دارد، اما با ارزش فرزند رابطه معنی‌داری نشان نمی‌دهد. سن ازدواج زن با باروری و ارزش فرزندان رابطه معنی‌دار و معکوس دارند که تأییدی بر تحقیق محمودیان و پوررحیم (۱۳۸۱) می‌باشد. از بین متغیرهای اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات پاسخگو با باروری و ارزش فرزند رابطه منفی و معنی‌دار دارد که همسو با نتایج تحقیق رئیسی (۱۳۷۶) و محمودیان و پوررحیم (۱۳۸۱) می‌باشد. اما متغیر تحصیلات همسر با متغیرهای یادشده رابطه منفی دارد و این رابطه تنها در مورد باروری ایده‌آل معنی‌دار نیست. گرایش به اجتناب از تک فرزندی با باروری و ارزش فرزندان رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. تمایل به ترکیب جنسی فرزندان بر رفتار باروری مؤثر می‌باشد و با باروری هم در سطح واقعی و هم در سطح ایده‌آل رابطه معنی‌دار دارد، اما با ارزش فرزند رابطه معنی‌داری نشان نمی‌دهد. متغیر ارزش فرزند به طور کلی هم با تعداد فرزند زنده به دنیا آمده و هم با تعداد مطلوب فرزند رابطه معنی‌دار و مستقیم دارد.

در مدل ارزیابی باروری واقعی، متغیرهای مدت ازدواج، محل تولد و سن ازدواج (متغیرهای جمعیتی)، تحصیلات پاسخگو و تمایل به ترکیب جنسی فرزندان (متغیرهای اجتماعی - اقتصادی) و فواید اجتماعی، فواید اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی فرزند (متغیر ارزش فرزند) وارد معادله رگرسیونی باروری واقعی شده‌اند. زنانی که زمان زیادتری از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، آن‌هایی که تمایل به ترکیب جنسی فرزندان نشان داده‌اند و باور دارند که فرزندان می‌توانند فواید اجتماعی و اقتصادی برای آن‌ها داشته باشند، باروری بیشتری را تجربه کرده‌اند. اما زنان متولد شهر، آن‌هایی که در سنین بالاتر ازدواج کرده‌اند و یا تحصیلات بیشتری داشته‌اند و بر هزینه‌های اجتماعی فرزند تأکید دارند، باروری کمتری را نشان می‌دهند.

در مدل ارزیابی باروری ایده‌آل، متغیرهای مدت ازدواج، اجتناب از تک فرزندی، ترکیب جنسی

فرزندان و فواید اقتصادی وارد مدل شده و واریانس متغیر تعداد مطلوب فرزند را توضیح داده‌اند. در یک نگاه روندی، مقایسه تحقیق حاضر با پژوهش آقاجانیان و رجبی (۱۳۶۴) پیرامون ارزش کودکان و رشد خانواده در شهر، فرصت مناسبی را جهت مشاهده تغییرات در طول زمان در جامعه مورد مطالعه فراهم می‌سازد. در پژوهش یادشده، در جامعه شهری بی‌فرزندی به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست، چون حیات روانی و تداوم خانواده به وجود فرزند بستگی دارد. انگیزه‌های اجتماعی فرزنددار شدن بسیار قوی بوده و مطلوبیت فرزند در ارتباط با تعداد آن‌ها به هزینه‌های روانی و اقتصادی و محدودیت‌های پرورش فرزند مربوط می‌شود. زنان شهری به این هزینه‌ها فکر می‌کنند و در بسیاری موارد کمیت فرزند تابع نظر فرد در مورد این هزینه‌ها می‌باشد، به همین دلیل خانواده بزرگ مطلوبیت چندانی ندارد. تحولات شهری و محدودیت‌های شهری-صنعتی، از قبیل کمبود مسکن و بالا بودن هزینه‌های زندگی بر مطلوبیت روانی فرزند تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های اقتصادی نقش عمده‌ای در ارزش‌های روانی پیدا کرده‌اند. در این تحقیق، تعداد یک یا دو فرزند به عنوان تعداد مطلوب فرزند اظهار گردیده است. زیرا با افزایش تعداد فرزند، محدودیت‌های اقتصادی مطرح می‌شوند. آنچه در پژوهش حاضر به عنوان نقطه مقابل تحقیق آقاجانیان (۱۳۶۴) نمود پیدا می‌کند، اثرگذاری فواید اقتصادی کودکان در باروری ایده‌آل می‌باشد. زیرا تحقیق پیشین بر هزینه‌های روانی و اقتصادی مرتبط با مطلوبیت فرزند تأکید داشته است.

منابع

- آقاجانیان، اکبر و ماهرخ رجبی (۱۳۶۴). ارزش کودکان و رشد خانواده در شهر و روستا، شیراز: دانشگاه شیراز. رئیس، عنایت‌ا... (۱۳۷۶). "بررسی پدیده فرزندخواهی و ارزش‌های مثبت و منفی کودکان برای والدین"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی‌چاوشی، پیترو مک‌دونالد و بهرام دل‌اور (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران، شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- قربانی، شیمما (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر ارزش فرزند در فرآیند فرزندآوری: مورد مطالعه شهر جهرم"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- محمودیان، حسین و محمدرضا پوررحیم (۱۳۸۱). "ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری: مطالعه موردی شهرستان بهشهر". فصلنامه جمعیت، شماره ۴۱: ۱۰۳-۸۹.
- منصوریان، محمدرکیم و اعظم خوشنویس (۱۳۸۵). "ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۷: ۱۴۶-۱۲۹.

ویکس، جان (۱۳۸۵). جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، (ترجمه الهه میرزایی)، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- Abbasi-Shavazi, M. J., P. McDonald and M. Hosseinichavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran*, New York: Springer.
- Buhler, C. (2008). "On the Structural Value of children and its Implication on Intended Fertility in Bulgaria." *Demographic Research* 18: 569-610.
- Dinn, A. A. and C. Kagitcibasi (2010). "The Value of Children for Parents in the Minds of Emerging Adults." *Cross- Cultural Research* 44 (2): 174-205.
- Dyer, S. J. (2007). "The Value of Children in African Countries-Insight from Studies on Infertility." *Journal of Psychosomatic Obstetrics and Gynecology* 28 (2): 69-77.
- Fawcett, J. T. (1974). "*The Value of children in Asia and the United States.*" East-West population Institute, 32.
- Freedman, D. (1994). "A theory of the Value of children." *Demography* 31 (3): 375-94.
- Hoffman, L. W. (1972). "A psychological perspective on the value of children to parents." in J. T. Fawcett (ed.), *The Satisfaction and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods*. Hawaii: East-West Center.
- Iman, M. T. and M. Soroush (2007). "The Value of children of Iranian Parents." *Sociation Today* 5 (1): 21-35.
- Kagitcibasi, c. and B. Ataca (2005). "Value of Children and Family Change: A Three- Decade Portrait From Turkey." *Applied Psychology: An International Review* 54 (3): 317-337.
- Leibenstein, H. (1977). "The Economic Theory of Fertility." in Johannes Overbeek (ed.), *The Evolution of Population Theory*. London: Green Wood.
- Mayer, B. and G. Trommsdorff (2010). "Adolescents, Value of Children and Their Intentions to Have Children: A Cross-Cultural and Multilevel Analysis." *Journal of Cross- Cultural Psychology* 41(5-6): 671-689.

- Rani, D. U. V. Babu and M. V. Sudhakara Reddy (2003). *Economic Value of Children and Fertility*. Discovery Publishing House.
- Trommsdorff, G. and B. Nauck. (2010). "Value of Children: A Concept for Better Understanding Cross-Cultural Variations in Fertility Behavior and Intergenerational Relationships." *Journal of Cross-Cultural Psychology* 41(5-6): 637-651.
- Trommsdorff, G, U. kim and B. Nauck (2005). "Factors Influencing Value of Children and Intergenerational Relations in Times of Social Change: Analyses from Psychological and Socio-cultural Perspectives: Introduction to the Special Issue." *Applied Psychology: an Internatioal Review* 54 (3): 313-316.
- Weeks, J. R. (1999). *Population*, U.S: Wadsworth Publishing Company.

